



فیلسوف واقعی کسی است که کشف و شهود می‌کند

امیرعباس علی‌زمانی، استاد فلسفه دانشگاه تهران گفت: تاریخ تفکر فلسفه غرب از کشف شروع شد اوجش در افلاطون است. در اینجا فیلسوف واقعی کسی است که کشف و شهود می‌کند.

امیرعباس علی‌زمانی، استاد فلسفه دانشگاه تهران گفت: تاریخ تفکر فلسفه غرب از کشف شروع شد اوجش در افلاطون است. در اینجا فیلسوف واقعی کسی است که کشف و شهود می‌کند.

به گزارش خبرنگار مهر، امیرعباس علی‌زمانی استاد فلسفه دانشگاه تهران در همایش فلسفه دین، مقاله خود را با عنوان «کشف یا جعل معانی: پارادوکس جعل معنا» ارائه کرد و گفت: درباره معنای زندگی دو دیدگاه مطرح است، نخست دیدگاه کشف معنا و دیگری جعل معنا. ما در زندگی خود گاهی می‌گوییم که من معنا را در زندگی خود نمی‌یابم، مدتی است معنا در زندگی من نیست. حتی گاهی می‌گوییم که من تلاش می‌کنم به زندگی خود معنا ببخشم.

وی در ادامه گفت: زمانی که سخن از یافتن است شما با واقعیت سروکار دارید بنابراین یافتن در ذاتش نهفته است چرا که چیزی که موهوم است را نمی‌توانیم ببابیم. در نقطه مقابل پارادایم دیگری با نام «جعل معنا» وجود دارد که می‌گوید ما در زندگی خود سعی می‌کنیم به زندگی‌مان معنا ببخشیم. در نظر داشته باشید که وقتی می‌گوییم می‌خواهیم به زندگی معنا ببخشیم یعنی زندگی ما چیزی ندارد و باید به آن چیزی بدهیم. بنابراین معنای جعل در همین جمله نشان داده می‌شود.

وی یادآور شد: طرفداران جعل معنا معتقدند که دوره کشف سپری شده و اکنون از عالم کشف حقیقت، ارزش و معنا ما به دنیای دیگری وارد شده‌ایم. در این عالم نباید دنبال رسیدن و معرفت باشیم و بگوییم در حوزه ارزشی ما دنبال اصول مطلق اخلاقی هستیم بنابراین بر این اساس زمانه، زمانه جعل است.

این استاد فلسفه یادآور شد: تاریخ تفکر فلسفه غرب از کشف شروع شد که اوجش در افلاطون است. در اینجا فیلسوف واقعی کسی است که کشف و شهود می‌کند. این تفکر در ارسطو به شکل دیگری تا قرون وسطی ادامه می‌یابد و در دوره کانت در ترکیبی از عینیت و ذهن ظهور می‌یابد و در نهایت با ظهور پارادایم عوض می‌شود.

علی‌زمانی بیان کرد: نیچه را باید آغاز یک دوره بدانیم. هایدگر می‌گوید او آغاز یک پایان است. در تعریفی که هایدگر درباره نیچه به کار می‌برد دعا بر سر اصطلاح نیست بلکه دعوی دو تفکر و زیست جهان است؛ یک جهانی که در آن سوژه‌ها هستند و سوژه رد صورتی به معنا می‌کشد که به ارزش دست پیدا کند و به اصطلاح فلسفی، دیگری آن است که پروتاگوراس گفت که انسان معیار همه چیز است.

وی ادامه داد: اما جعل معنا بدین معنی است که بیرون انسان چیزی نیست. بر این اساس مولانا نیز معتقد به همین تمرکز بر انسان است «باده از ما مست شد، نی ما از او». با این نگاه مولانا نگاهش به اشاعره نزدیک می‌شود.

وی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به برخی از تحولات که منجر به زیر سوال رفتن عینی بودن همه چیز شد گفت: با زیر سوال رفتن عینیت ارزش و معنا هم از دست رفت و مرگ حقیقت فرا رسید.

علی‌زمانی با بیان اینکه زندگی معنادار، زندگی آگاهانه و آزادانه است و گفت: نگاه افرادی مانند سارتر، نیچه و کامو به دنیا که آن‌را سراسر زشتی و پلیدی می‌دانند هیچ مبنایی ندارد. طبق افسانه سیزیف که آبر کامو آن را روایت کرده است، سیزیف در اساطیر یونان به‌خاطر فاش کردن راز خدایگان محکوم شد تا تخته سنگی را به دوش گرفته و تا قله یک کوه حمل کند، اما همین که به قله می‌رسد، سنگ به پایین می‌غلتد و سیزیف باید دوباره این کار را انجام دهد. تنها کاری که او می‌کند عصیان متافیزیکی است. او هر روز سنگ را بالا می‌برد و به ریش خدایان می‌خندد.

وی با بیان این‌که در دوره جعل معنا جایگاه عقل به شدت تضعیف می‌شود گفت: در این نگاه عقل از برده‌های اراده و احساس است.

این استاد دانشگاه در بخشی از مقاله اش به کتاب «فراسوی نیک و بد» اثر نیچه اشاره کرد و گفت: نیچه در این کتاب می‌گوید که خدا نمادی برای مرگ حقیقت و ارزش است و در اینجا هنر تخیل شروع می‌شود. در حالی که در پارادایم کشف، انسان سالک است و می‌خواهد به حقیقت برسد. در حالی که در تفکر جعل معنا به قول سارتر ما یک رمان‌نویس هستیم و هر کدام قصه زندگی خودمان را می‌نویسیم و تنها تفاوت ما در آزادی ما برای نگارش قصه است.

علی‌زمانی گفت: طرفداران جعل معنا متوجه شدند که انسان بدون بهانه نمی‌تواند زندگی کند. من معتقدم خدا جان هستی است و اگر خدا را از جهان بگیری جهان چیز دیگری ندارد. معجولیت درونش خوابیده است و تابع میل و اراده فرد است. در حالی که ذات معنا اقتضا می‌کند که تکیه‌گاه ما باشد. باید جایی وجود داشته باشد که وقتی کم می‌آورید به آن پناه ببرید.

وی با اشاره به اینکه عرفان و فلسفه ما مبنایش کشف است، گفت: ما می‌خواهیم به خدا برسیم و خدا سرچشمه واقعی معناست و مولانا نیز بر این مفهوم تأکید کرده است. ملاصدرا نیز می‌گوید که انسان باید برای رسیدن به خدا منازل را طی کند. جهانی که عده‌ای معتقدند جز تلخی و بدی چیزی ندارد را نمی‌توان با هیچ عینکی زیبا و تصحیح کرد اما عرفان و فلسفه اسلامی معتقد است که مبنای هستی کشف و رسیدن به خداوند است چرا که خدا سرچشمه واقعی معناست و معناداری بدون

